اختصاصی خراسان

درررویارویی نزدیکان قاتل ومقتول رخ داد

جدال انتقام والتماس!

تیبا سوار مسلح در اولین جلسه بازپرسی به شلیک مرگبار اعتراف کرد

سید خلیل سجادپور- تیبا سوار ۳۷ ساله ای که در یک جنایت تکان دهنده، موتور سواری را به قتل رسانده بود، در اولین جلسه بازپرسی زوایای پنهان جنایت مسلحانه را در حالی فاش کرد که پس از ۱۴۰ روز زندگی مخفیانه تسلیم قانون شد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، صبح روز گذشته متهم به قتل ۳۷ ساله‌ای که با تنگ شدن حلقه محاصره و لو رفتن مخفیگاهش تسلیم قانون شده بود، مقابل قاضی ویژه قتل عمد مشهد قرار گرفت تا ابعاد جنایت هولناک خود را باز گو کند. «محمد- الف» که به «موتوری» معروف است پس از آن که سلاح وینچستر را به دست گرفت، تقویم زندگی‌اش را به چندین سال قبل ورق زد و به قاضی دکتر صادق صفری گفت: با همسرم دچار مشکلات حاد خانوادگی شده بودیم چرا که من زن جوان دیگری را به عقد موقت خودم درآوردم، به همین خاطر هم می‌ترسیدم که همسرم با پلیس تماس بگیرد و ماجرای نگهداری سلاح وینچستر در منزل را لو بدهد! این بود که آن شب اسلحه را برداشتم تا از خانه بیرون ببرم و در جای دیگری مخفی کنم. بنابراین سراغ زن صیغه‌ای ام رفتم و پشت فرمان خودروی تیبای او نشستم. آن شب او و فرزند خردسالش نیز به همراه من آمدند اما در بین راه یکی از دوستانم را دیدم و او را هم سوار کردم چرا که مقصدش در همان مسیری بود که من حرکت می‌کردم. هنوز مسافت زیادی را در منطقه خواجه ربیع طی نکرده بودم که با ۲ جوان موتور سوار برخورد کردم و به دلیل نامعلومی مشاجره‌ای بین مارخ داد. اگرچه من به حرکت خودم ادامه دادم ولی موتور سواران رهایم نمی‌کردند و با سرعت به تعقیبم می آمدند. من هم که در یک لحظه دچار نوعی عصبانیت شده بودم ناگهان با سرعت زیادی که در شب داشتم ترمز دستی را کشیدم که خودرو دور خودش چرخید و متوقف شد. بلافاصله اسلحه را از دوستم گرفتم که در صندلی جلو نشسته بود و پس از شلیک یک تیر هوایی به طرف موتور سواران تیراندازی کردم. با آن که به من نزدیک شده بودند در ابتدا آن‌ها را نشناختم اما بعد از آن که از محل تیراندازی گریختم به یکی از دوستانم زنگ زدم و به او گفتم شنیده ام در منطقه خواجه ربیع تیراندازی شده است! سپس از او خواستم تا به محل برود و ماجرا را جویا شود که چه کسی در تیراندازی مجروح شده است! دقایقی بعد آن دوستم با من تماس گرفت و گفت: مجروحان را به بیمارستان برده اند اما یکی از آنان که سعید نام دارد در وضعیت وخیمی به سر می‌برد. آن جا بود که او را شناختم، ولی دیگر دیر شده بود. متهم پرونده جنایی ادامه داد: با شنیدن این موضوع بلافاصله به طرف منزل رفتم و همسر و فرزندانم را به منزل خواهرش رساندم چرا که احتمال می‌دادم آن‌ها در معرض انتقام قرار گیرند. خودم نیز شبانه به طرف نیشابور به راه افتادم تا در منزل یکی از دوستانم مخفی شوم اما او وقتی در جریان تیراندازی قرار گرفت، به من کمکی نکرد و به ناچار دوباره به مشهد بازگشتم و ۲ روز در منزل یکی از اطرافیانم پنهان شدم ولی به او درباره ماجرای تیراندازی چیزی نگفتم تا این که شنیدم خانواده «سعید» اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کرده اند چرا که او دچار مرگ مغزی شده بود. حالا دیگر چاره‌ای جز فرار نداشتم اما از سوی دیگر تصویرم در رسانه‌ها (روزنامه خراسان)

عکس اختصاصی خراسان

منتشر شده بود و هیچ کس برای اختفا به من کمک نمی‌کرد. این گونه بود که به یاد کارگاه خیاطی در کرج افتادم که قبلا در آن جا کار می‌کردم. شبانه به تهران و از آن جا به کرج رفتم و بدون آن که درباره این حادثه به کسی چیزی بگویم در همان کارگاه خیاطی مشغول کار شدم ولی چند ماه بعد فهمیدم محل اختفایم لو رفته است و کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی در تعقیبم هستند! به همین خاطر دوباره به مشهد بازگشتم تا چاره‌ای بیندیشم ولی به دلیل تشریح قانون توسط قاضی ویژه قتل عمد که اگر کسی در اختفای متهم فراری همکاری کند به اشد مجازات قانونی محکوم می‌شود، یکسره به منزل خودمان رفتم چون می‌دانستم دیگر هیچ راه گریزی ندارم و هر لحظه احتمال دارد در محاصره کارآگاهان قرار بگیرم! اما هیچ کس را در منزل خودمان نیافتم چرا که همسر و فرزندانم جای دیگری رفته بودند و برخی از نزدیکانم نیز دستگیر شده بودند. در این وضعیت به سراغ یکی از همسایگانم رفتم که او مرا در جریان اتفاقات گذاشت. من هم که دیگر همه راه‌های فرار را بسته می‌دیدم از او خواستم مرا تا دادسرا همراهی کند که خودم را تسلیم قانون کنم ولی همسایه ام ترسید و با من همراهی نکرد! به همین دلیل خودم اسلحه وینچستر (آلت قتاله) را برداشتم و به دادسرا آمدم چرا که می‌دانستم پرونده ام در شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب رسیدگی می‌شود! وقتی به دادسرا رسیدم و خودم را معرفی کردم یکی از ماموران انتظامی در کنارم قرار گرفت و مرا به این جا (شعبه ویژه پرونده های جنایی) آورد.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: در حاشیه برگزاری اولین جلسه بازپرسی و در حالی که متهم به قتل با در دست گرفتن سلاح، چگونگی شلیک شبانه را در حضور مقام قضایی تشریح می کرد ،جدال انتقام و التماس هم بین مادران قاتل و مقتول رخ داد. مادر مقتول که چندین ماه به انتظار دستگیری قاتل فرزندش نشسته بود در حالی فقط از انتقام سخن می گفت و بر دردناکی این حادثه هولناک تاکید داشت که مادر قاتل التماس می کرد تا او از گناه پسرش درگذرد و به مرگ او راضی نشود!

این جدال تلخ با انتقال متهم به پلیس آگاهی در حالی به پایان رسید که مقام قضایی ادامه تحقیقات را به روزهای آینده موکول کرد.

قاچاق گازوئیل در پوشش مصالح ساختمانی

از قاچاق ۱۳۲ هزار لیتر فراورده نفتی به خارج جلوگیری شد

توکلی- پلیس از خروج محموله های سوخت قاچاق به خارج از کشور جلوگیری کرد.

به گزارش خراسان ،فرمانده انتظامی استان کرمان از کشف ۳۰ هزار لیتر گازوئیل قاچاق از لابه لای مصالح ساختمانی یک دستگاه کامیون عبوری از محور سیرجان- بندر عباس خبر داد. سردار ناصر فرشید اظهار کرد : نیروهای پلیس امنیت اقتصادی استان کرمان در اجرای طرح اخیر مقابله با قاچاق از عبور یک دستگاه کامیون حامل فراورده های نفتی فاقد مجوز از محور بندرعباس- سیرجان باخبر شدند و موضوع را به پلیس آگاهی سیرجان گزارش کردند. وی ادامه داد: نیروهای پلیس آگاهی سیرجان نیز با اعزام یک تیم نامحسوس به این محور کامیون مد نظر را که حامل آجر و دیگر مصالح ساختمانی بود، متوقف و پس از بررسی چندین ساعته از زیر بار آن چند محفظه حاوی ۳۰ هزار لیتر گازوئیل قاچاق را کشف کردند. این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: در این خصوص سه متهم که با همکاری یکدیگر در صدد انتقال این محموله سوخت به جنوب کشور بودند دستگیر شدند و این محموله سوخت تحویل شرکت نفت شد. براساس این گزارش ،فرمانده انتظامی شهرستان بم نیز از کشف بیش از ۱۰۲ هزار لیتر سوخت قاچاق در عملیات های یک ماه اخیر نیروهای دایره مبارزه با کالای قاچاق پلیس آگاهی این شهرستان خبر داد.

سرهنگ یوسف سلیمانی ادامه داد: ماموران دایره مبارزه با کالای قاچاق پلیس آگاهی با هدف مبارزه با کالای قاچاق در ۲۵ روز گذشته ،چندین تانکر حمل سوخت را که از مرکز کشور به سمت استان سیستان و بلوچستان در حرکت بودند، متوقف کردند. وی افزود: در بازرسی از این کامیون های عبوری بیش از ۱۰۲ هزار لیتر سوخت غیر مجاز کشف شد و چهار متهم نیز با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند.

این مسئول انتظامی، هرگونه اقدام در جهت حمل یا نگهداری مواد سوختی برای خروج از کشور را باعث ضرر و زیان اقتصادی و تردد این گونه خودروها را حادثه ساز دانست.

قربانیان زلزله مراکش از ۲۰۰ هزار نفر گذشت

وزارت کشور مغرب با صدور بیانیه‌ای از افزایش شمار جان باختگان زمین لرزه اخیر در مرکز این کشور به بیش از ۲ هزار کشته و بیش از ۲ هزار زخمی خبر می‌دهد. به گزارش مهر وزارت کشور مغرب با انتشار بیانیه‌ای، اعلام کرد که طبق جدیدترین آمار غیر نهایی قربانیان زمین لرزه شامگاه جمعه در مرکز این کشور، تاکنون دست کم ۲ هزار و ۱۲ نفر جان خود را از دست دادند و ۲ هزار و ۵۹ تن دیگر نیز زخمی شدند که جراحت هزار و ۴۰۴ تن از آنان خطرناک است. در بیانیه وزارت کشور مغرب آمده: آمار مرگ و میر ناشی از زمین لرزه اخیر در ۱۰ منطقه این کشور ثبت شده که شامل هزار و ۲۹۳ مورد در الحوز، ۴۵۲ مورد در تارودانت، ۱۹۱ مورد در شیشاوه، ۴۱ مورد در وزارت، ۱۵ مورد در مراکش، ۱۱ مورد در ازیلال، پنج مورد در اگادیر و اداوتنان، سه مورد در کازابلانکا، یک مورد در یوسفیه و یک مورد دیگر در تغییر می‌شود. به دنبال آن نیز، «محمد ششم»، پادشاه این کشور در جلسه‌ای با حضور مقامات بلندپایه در کاخ پادشاهی شهر رباط، سه روز عزای عمومی اعلام کرد و طی این مدت نیز پرچم‌ها بر فراز تمامی ساختمان‌های دولتی به حالت نیمه افراشته در می‌آیند.

کلاهبرداری با عنوان فروش مدرک تحصیلی در فضای مجازی

توکلی - فردی که در فضای مجازی با عنوان فروش مدرک تحصیلی اقدام به کلاهبرداری می کرد، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. به گزارش خراسان ،رئیس پلیس فتای استان کرمان در این باره بیان کرد: به دنبال ارجاع پرونده کلاهبرداری با عنوان فروش مدرک تحصیلی در فضای مجازی ، با تحقیقات کارشناسان پلیس فتا مشخص شد شخصی ناشناس با راه‌اندازی یک کانال تلگرامی اقدام به کلاهبرداری با عنوان فروش مدرک تحصیلی کرده است اما پس از دریافت وجوهی حدود دو میلیارد ریال از مال باخته دیگر پاسخگوی تماس او نبوده است. سرهنگ رضایی افزود: در ادامه پس از انجام تحقیقات تکمیلی و به کارگیری اقدامات پلیسی ،ماموران موفق به شناسایی متهم این پرونده در یکی از استان های مرکزی کشور شدند که مشخص شد این متهم با نشان دادن یک سری مدرک که قبلا صادر کرده بود اعتماد مشتریان را جلب و از آن ها کلاهبرداری می کرده که دستگیری این متهم در حال انجام است. وی با تاکید بر این که نباید به افرادی که با تبلیغات واهی در فضای مجازی در صدد کلاهبرداری از مردم هستند اطمینان کرد، تصریح کرد: کسانی که در فضای مجازی اقدام به فروش مدارک جعلی می کنند و افرادی که این مدارک جعلی را خریداری کرده و در جایی ارائه می دهند، مجرم هستند و طبق قانون با این افراد برخورد می‌شود.

در امتداد تاریکی

ماجرای دختر دست شکسته!

او را فراموش کرده بودم، با آن آبروریزی که چند سال قبل به راه انداخت و رسوایی به بار آورد دیگر نمی‌خواستم هیچ گونه ارتباطی با آن جوان هم محله‌ای ام داشته باشم ولی او چنان با رفتارها و تهدیدهایش مرا در تنگنای ترس و آبروریزی قرار داد که به ناچار همراهش شدم و به خلوتگاهی رفتم که...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این‌ها بخشی از اظهارات دختر ۱۸ ساله تبعه خارجی است که با دستی شکسته و به همراه مادرش وارد مرکز انتظامی شده بود. این دختر جوان که مدعی بود یک اشتباه در دوران نوجوانی زندگی اش را تحت تاثیر قرار داده و آرامش را از خانواده‌اش گرفته است، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: ۱۳ ساله بودم که پدر و مادرم از یکدیگر جدا شدند چرا که پدرم به مواد مخدر اعتیاد داشت و زندگی را به کام مادرم تلخ کرده بود. در این شرایط من و خواهرم نزد مادرمان ماندیم و پدرم نیز به دنبال سرنوشت خودش رفت اما هر از گاهی به دیدارمان می‌آمد. بعد از این ماجرا مادرم در یک فروشگاه لوازم خیاطی مشغول کار شد تا هزینه‌های زندگی ما را تامین کند. من هم گاهی با مادرم به فروشگاه می‌رفتم تا به او کمک کنم. در همین حال مادرم یک دستگاه تلفن هوشمند برایم خرید و من مدام در فروشگاه با گوشی تلفن سرگرم بودم تا این که روزی پسر جوانی وارد فروشگاه شد و شماره تلفنش را پنهانی به من داد. من هم با آن شماره تماس گرفتم و این گونه رابطه تلفنی من و «پرویز» در حالی آغاز شد که او همان شب مرا به منزل خودشان دعوت کرد. با آن که خیلی برای رفتن به منزل آن‌ها تردید داشتم اما از سوی دیگر تشنه محبت بودم و با جملات عاشقانه او آرام می‌گرفتم. در آن سن و سال هیچ گاه طعم مهر و محبت خانوادگی را نچشیده بودم و این موضوع به نوعی مرا به دام عشق خیابانی انداخت. بالاخره تردیدها را کنار گذاشتم و راهی منزل آن‌ها شدم که چند کوچه بالاتر از منزل ما اقامت داشتند. هیچ کس در خانه آن‌ها نبود ولی زمانی که شب هنگام به منزل خودمان بازگشتم مادرم نگاهی به چشمان من انداخت و همه چیز را فهمید! به طوری که گویی ماجرای این عشق خیابانی در چشم‌های من نوشته شده بود! او بلافاصله گوشی تلفن را از من گرفت و با پدرم که به دیدار ما آمده بود به طرف منزل پدر «پرویز» حرکت کرد. در این وضعیت و زمانی که هیاهوی عجیبی در کوچه به راه افتاده بود «پرویز» ادعا کرد که مرا دوست دارد و می خواهد با من ازدواج کند! با این جمله درگیری شدت یافته بود و پرویز پدر و مادرم را با ضربات چوب مجروح کرده بود! بعد از این ماجرا او با شکایت پدر و مادرم قاضی حکم جلب پرویز را صادر کرد و آن ها هر روز برای گرفتن رضایت به در منزل ما می‌آمدند. خلاصه پس از کشمکش‌های زیاد، پدر و مادرم رضایت دادند و پرویز هم به شهر دیگری رفت. از آن روز به بعد مادرم گوشی تلفنم را گرفت و دیگر اجازه نمی‌داد من به تنهایی از منزل خارج شوم! این موضوع ۲ سال طول کشید تا این که خواهرم با یکی از هم‌وطنان خودمان که در استرالیا ساکن بود ازدواج کرد و من هم بعد از جلب اعتماد مادرم، در یک مرکز پزشکی به عنوان منشی شروع به کار کردم. روزهای آرامی را می گذراندم و پرویز را هم فراموش کرده بودم تا این که مدتی قبل دوباره سر و کله او در محل کارم پیدا شد و شروع به مزاحمت کرد. او به سراغ همه اقوام و دوستانم رفته و ادعا کرده بود که با من ازدواج کرده است! مزاحمت‌های پرویز به جایی رسید که سیم کارتم را شکستم تا مرا پیدا نکند ولی او مدام به سراغ همکارانم می‌آمد و تهدید می کرد که اجازه نمی‌دهد همسرش در مرکز پزشکی کار کند و به همین خاطر با دیگر همکارانم درگیر می‌شد و به آن‌ها توهین می کرد. او حتی جلوی مرا در ایستگاه مترو گرفت و اصرار داشت که باید با من صحبت کند! هر طوری به او می گفتم که من تو را دوست ندارم و نمی خواهم حتی برای لحظه‌ای به حرف‌هایت گوش بدهم متاسفانه توجهی نمی کرد و همه جا آبروریزی به راه می انداخت! بی شرمی و وقاحت‌های او به حدی رسید که مقابل شوهر خواهرم ایستاد و مدعی شد که نه تنها با من بلکه با خواهرم نیز ارتباط غیر اخلاقی داشته است! او قصد داشت شوهر خواهرم را که برای دیدار ما به ایران آمده بود، نسبت به خواهرم بدبین کند! در این شرایط خیلی ترسیده بودم که به ناچار تقاضایش برای گفت و گو را پذیرفتم. او مرا به مکان خلوتی برد و باز هم از عشق و عاشقی سخن گفت. در همین حال من با نارا حتی و صریح به او فهماندم که نمی خواهم هیچ ارتباطی با او داشته باشم! پرویز هم که عصبانی شده بود دستم را به شدت پیچاند به گونه‌ای که از شدت درد جیغ وحشتناکی کشیدم و درد سراسر وجودم را فرا گرفت. او مرا سوار موتور سیکلت کرد تا به درمانگاه برساند ولی در نزدیکی درمانگاه رهایم کرد. من هم که می‌ترسیدم دوباره مادرم در جریان ماجرا قرار بگیرد و برای چند سال دیگر از همه چیز محروم شوم، این حادثه را پنهان کردم ولی آن قدر درد کشیدم که به ناچار به خانه رفتم و مادرم که از نوع رفتارم فهمیده بود حادثه‌ای برایم رخ داده است، کنارم نشست و من هم همه ماجرا را برایش باز گو کردم.

وقتی مادرم مرا به بیمارستان رساند، پزشکان دستم را به خاطر شکستگی گچ گرفتند و اکنون نیز «پرویز» خانواده‌ام را تهدید می کند که...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با توجه به شکایت دختر جوان، پرونده‌ای در مرکز انتظامی تشکیل شد و تحقیقات درباره این حادثه با صدور دستوری از سوی سرهنگ قاسم همت آبادی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علیرضا تقی نژاد وکالتا از طرف آقای رمضان تقی نژاد با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی گردیده که سند مالکیت ۲۲۰۸۴/۷۱ سهم از کل ۲۸۴۳۰ سهم پلاک ثبتی ۲۷۸۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ قاینات واقع در حاشیه جاده قدیم قاین مهموئی به علت جابجایی مفقود شده است. لذا با بررسی ثبت دفاتر املاک و پرونده ثبتی معلوم گردید که تقاضای ثبت ششدانگ پلاک مزبور برابر رای شماره ۵۹۷۹-۰۵-۱۲-۱۳۸۳ هیات ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت بنام آقای رمضان تقی نژاد فرزند غلامرضا پذیرفته شد و سند مالکیت صادر و مقداری از سهام آن برابر چند سند انتقال به دیگران منتقل و میزان سهام باقیمانده ذیل ثبت دفتر املاک الکترونیک به شماره ۱۴۰۲۲۰۳۰۸۰۰۲۰۰۱۸۳۰ ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۱۰۰۰۰ ب ۱۴۰۱ بنام نامبرده صادر و تسلیم گردیده و سابقه دیگری در پرونده مشاهده نشد لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۸۰/۱۱/۰۸ یک نوبت آگهی و متذکر می گردد که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده که در این آگهی ذکر نشده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود سند مالکیت المثنی نوبت اول صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد. شناسه ۱۵۶۵۷۹۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰ غلامرضا صادقیان – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قاین

نوبت اول

ارزیابی کیفی برای لیست کوتاه
فراخوان مطالعات تفصیلی ساماندهی ترافیک شهری شهرهشتگرد

شهرداری هشتگرد

شهرداری هشتگرد در نظر دارد فراخوان مطالعات تفصیلی ساماندهی ترافیک شهری شهرهشتگرد به شماره (سیستمی) ۲۰۰۲۰۰۵۷۶۹۰۰۰۰۵۷ را ازطریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهدشد متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم ضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهرسازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

شرکت کنندگان در فرآیند ارزیابی کیفی بایستی دارای گواهینامه صلاحیت ارائه خدمات مشاور فنی و مهندسی معتبر حداقل پایه ۳ رشته های ترافیک و حمل و نقل از نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه کشور باشد .

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ازتاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۳۰
- مهلت ارسال پاسخ استعلام: تا پایان وقت اداری روز شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۵
- اطلاعات تماس وآدرس دستگاه:

شهرداری هشتگرد واقع در استان البرز، شهرستان ساوجبلاغ ،شهرهشتگرد ، سایت اداری ، بلوار آیت اله خامنه‌ای ، ساختمان اداری شهرداری هشتگرد

تلفن: ۴- ۰۲۶۴۴۲۲۲۰۲۲

پیام رئیسی – شهردار هشتگرد

آگهی دعوت از مجاورین و مالکین مشاعی

نظر به درخواست آقایان وحید طوسی و حمیدرضا ابوالحسن زاده هر کدام مالک یکدانگ و نیم مشاع از ششدانگ یکقطعه زمین مزروعی پلاک ۲۲۳ فرعی از ۸۰- اصلی واقع در اراضی پشته نقندر بخش شش مشهد مبنی بر صدور سند مالکیت کاداستری پلاک مذکور در اجرای کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه های ثبتی و باستناد ماده ۱۸ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نماینده و نقشه بردار این اداره در روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ ساعت ۹:۳۰ صبح جهت معاینه محل ملک مورد تقاضا درمحل وقوع ملک حضور خواهند یافت لذا بموجب این آگهی از مالکین مشاعی و مجاورین پلاک فوق الذکر دعوت بعمل می آید به جهت حفظ حقوق مالکانه وعدم تضییع حق احتمالی در موعد مقرر در این آگهی در محل وقوع ملک مورد تقاضا حضور یابند. بدیهی است عدم حضور در موعد تعیین شده فوق مانع ادامه عملیات ثبتی نخواهد شد.م الف ۳۰۰

حسن ابوترابی مدیرواحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز از طرف محمد ایرانی

۳۴۷۴۶

مزایده ماصه
زودتر با خبر شوید ...
www.mozayedemonaghese.com
واحد پخش و سایت ۰۲۱-۴۹۱۰۵۴۲۵